خبرها

زیست‌بوم‌گرایی دینی در ابتدای هزاره سوم است

خبرگزاری مهر: بیش از یک دهه پیش رهبر معنوی ارتدوکس های مسیحی جهان در جزیره اژه مسئله عجیبی مطرح کرد و اظهار داشت که آلوده کردن و دیگر حملات به محیط زیست را می توان به عنوان گناه در نظر گرفت. به گزارش آسوشیتدپرس، ده سال پیش مطرح کردن چنین ایده‌ای توسط پاتریارک مسیحیان چیزی بیش از یک لقب برای وی به همراه آورد و از آن پس به پاتریارک سبز شهرت یافت. امروزه رویکردهای مناسب نسبت به زیست‌بوم‌شناسی به خط فکری و دغدغه‌های بسیاری از ادیان تبدیل شده که این روند را می توان از روحانیان مسلمان که خواستار حفظ منابع آبی کشورهای حوزه خلیج فارس شده تا واعظان انجیلی در ایالات متحده که توجه به افزایش تدریجی دمای زمین را خواستار شدند، مشاهده کرد. هفته آینده پاتریارک ارتدوکس های شرقی مستقر در استانبول رهبری یک گروه عالی مرتبه دیگری از رهبران دینی، دانشمندان و فعالان را برعهده خواهد داشت که تاثیر متقابل دین و بوم‌شناسی را مورد بررسی قرار می دهند.

این گردهمایی به شکل سفری یک هفته‌ای در آمازون برگزار می شود که از پنجشنبه هفته آینده آغاز شده و ششمین سفر سبز بارتالامه اول محسوب می شود. نخستین سفر وی در سال ۱۹۹۵ به جزیره پاموس یونان صورت گرفت که بر اساس روایت های انجیلی کتاب مکاشفه در این منطقه تالیف شده است. تلاش های بارتالامه اول و دیگران به انگیزه‌دار کردن برخی از جست‌وجوهای الهیاتی در سال های اخیر کمک کرد و مطالعات تازه‌ای در زمینه تفسیر متون مقدس با توجه به اشارات زیست محیطی آغاز شد. همچنین جنبش های جهانی زمینه های مشترک نادری را در عصر حاضر به گروه‌های دینی معرفی می کند. مری اولین تاکر یکی از موسسان همایش دین و بوم‌شناسی که با دانشگاه ییل در ارتباط است گفت: محیط زیست یک حس اضطرار و هدف مشترک میان ادیان به وجود می آورد، موضوعات بسیار محدودی وجود دارند که بتوانند چنین حس و هدفی را ایجاد کنند. توجه به محیط زیست امری است که در میان تمام سنت‌های دینی وجود دارد.

شواهدی مبنی بر گسترش ویژگی های زیست محیطی به صورت تقریبی در تمام ادیان مشاهده می شود. در نیویورک، ائتلاف محیط زیست و زندگی یهودی ارتباط های مستقیم و واضحی میان سنت های یهودی و نزاع برای کاهش دمای زمین قائل شده است. در چین یک همایش بودایی در ماه آوریل تأکید ژرف بر حمایت زیست محیطی را خواستار شد. علمای دینی هندو نیز درباره پیامدهای زیست محیطی در نتیجه مدرنیزاسیون بسیار سریع در هندوستان هشدار داده‌اند. پاپ بندیکت شانزدهم در ماه ژوئن با مخاطب قرار دادن جمعیتی که در میدان سنت پیتر حضور یافته بودند از چنین عبارتی استفاده کرد: «برای پرهیز از آزادی های کاذب که محیط زیست و انسان را ویران و نابود می کند. . .» اما وی بیش از این توضیح نداد.

بسیاری از فتاوی علمای اسلامی در سراسر جهان اسلام حفاظت از محیط زیست را که خداوند به امانت در اختیار انسان گذاشته مورد سفارش قرار داده‌اند. سخنگوی ائتلاف ادیان و حفظ منابع طبیعی که یک گروه مستقر در لندن است و توسط پرنس فیلیپ همسر ملکه انگلستان پایه گذاری شده، اظهار داشت: ادیان بر پایه روایت داستان شکل گرفته‌اند. داستان ها به هر نوعی انسان را تحت تاثیر قرار می دهند که شخصیت های آکادمیک، فعالان و یا سازمان های غیردولتی نمی توانند چنین کاری انجام دهند. زمانی برای اینکه دو طرف یکدیگر را درک کنند باید سپری شود، اما اکنون سازمان های غیردولتی و دیگران به این امر پی برده‌اند که نیروی قدرتمند دین می تواند در این عرصه نقش مهمی برعهده گیرد.

در میان پروژه‌های فعلی این ائتلاف می توان به ترغیب ائمه جمعه کنیا اشاره کرد که استفاده شایع از دینامیت برای ماهیگیری را برای ماهیگیران تقبیح کرده و آنها را به استفاده از تورهای سنتی دعوت می کنند. کشیش جیمز کینان، متاله اخلاق کالج بوستون که از ۱۷ تیرماه همایش ۴۰۰ دانشمند کاتولیک را در استرالیا برگزار می کنند، گفت: محیط زیست از عوامل بزرگ ایجاد وحدت محسوب می شود، هیچ کس نمی تواند بگوید ارتباطی اخلاقی میان دین و محیط زیست وجود ندارد، چرا که تمام ادیان در این زمینه حرفی برای گفتن دارند. سفر بارتالامه اول به امید جلب توجه رهبران دینی به مشکلات وخیم پیش روی آمازون صورت می گیرد که مهم ترین آنها پاک سازی جنگل های دست نخورده به معنای قطع درختان برای ایجاد کشتزار محسوب می شود. در ایالات متحده بسیاری از رهبران انجیلی متوجه شده‌اند که پیام بوم‌شناسی می تواند میان فرامین انجیلی برای زندگی بهتر در زمین و حفاظت از محیط زیست ارتباط ایجاد کند. شبکه محیط زیست انجیلی که بیشتر برای ستادهای هوای پاک خود تحت عنوان: «اگر عیسی مسیح بود چه می کرد» شهرت دارد نیز اوایل سال جاری میلادی تلاش های تازه‌ای را علیه افزایش دمای زمین آغاز کرده است.

نگاهی به نظام آموزش فلسفه در بریتانیا

حسین شیخ رضایی

راسل در تظاهرات اعتراضی علیه سلاح های هسته‌ای

نگارنده این توفیق را یافته است که حدود چهار سال گذشته را صرف تکمیل تحصیلات دانشگاهی خود در رشته فلسفه علم در شهر دورهام (Durham) انگلستان نماید. یکی از دغدغه های همیشگی او در این دوره کنجکاوی در نظام آموزش فلسفه در بریتانیا و مقایسه آن با نظام فعلی آموزش فلسفه در ایران بوده است. اکنون که نگارنده در انتهای این دوره قرار دارد بی مناسبت ندید تا با منظم کردن پاره‌ای از یادداشت هایش باب این بحث را بگشاید. این نوشتار در ابتدا به نیت یک مطالعه تطبیقی میان دو نظام آموزش فلسفه طرح شده بود. اما به دلایلی اکثر بخش های مقایسه‌ای آن حذف شد و عمدتاً به معرفی نظام آموزش فلسفه در بریتانیا بسنده شد. دو دلیل عمده این تغییر آن بود که اولاً دانسته های نگارنده از نظام آموزش فلسفه در ایران مربوط به سالیان پیش است و او از تحولات سالیان اخیر (در صورت وقوع) تقریباً بی اطلاع است و ثانیاً نگارنده آن را نپسندید که در پایان هر بند از مقایسه آهی از سر حسرت برآورد و بر سرنوشت آموزش و استعداد جوانان آن مملکت تاسف خورد. نگارنده مقایسه را برعهده خواننده آشنا نهاد و امیدوار است که این نوشته کمک کوچکی به بهبود آنچه موجود است کند. نکته آخر آن که از آنجا که در بعضی موارد سیاست ها و محتوای دروس دانشگاه های مختلف در بریتانیا متفاوت بوده و ذکر تک تک آنها میسر نبود، در ارجاع به این موارد خاص عمدتاً بر نظام درسی دانشگاه دورهام به عنوان نمونه‌ای که نگارنده آن را بیشتر می شناسد تکیه شده است.

بخش اول

■ **دوران پیش از دانشگاه**

اولین رویارویی رسمی دانش‌آموزان بریتانیایی با موضوع فلسفه در دوران تحصیلات مدرسه صورت می گیرد. دانش‌آموزان ۱۴ تا ۱۶ ساله می باید با گذراندن تعدادی درس اجباری و اختیاری مدرک (GCSE ®General Certificate of Secondary School خود را که بخشی از تحصیلات اجباری برای همه افراد است دریافت کنند. در این سطح برخی از دروس مانند ریاضیات اجباری هستند و برخی دیگر اختیاری که بنابر علایق دانش‌آموزان و دسترسی آنها در مدارس انتخاب می شوند. درس های اختیاری را براساس میزان علاقه دانش‌آموزان به انتخاب آنها می توان به سه دسته تقسیم کرد: موضوعات متداول، موضوعات نامتداول و موضوعات نادر. درس «فلسفه و اخلاق» متعلق به گروه اول است. این درس در واقع ادامه درس دیگری به‌نام «مطالعات مذهبی» است که دانش‌آموزان می توانند آن را نیز انتخاب کنند. به عبارتی در این سطح از آموزش عنوان درس اصلی «مطالعات مذهبی ۲» با زیرعنوان «فلسفه و اخلاق» است. محتوای درس «فلسفه و اخلاق» از ده قسمت تشکیل یافته است که دانش‌آموز باید از میان موضوعات ۱ تا ۵ چهار عنوان و از میان موضوعات ۶ تا ۱۰ چهار عنوان دیگر را برگزیند و مطالعه کند. این موضوعات به قرار زیر هستند: ۱- سرشت خداوند ۲- سرشت باورها ۳- مذهب و علم ۴- مرگ و پس از زندگی ۵- خیر و شر ۶- مذهب و روابط انسانی ۷- مذهب و اخلاق پزشکی ۸- مذهب و برابری ۹- مذهب، فقر و دارایی ۱۰- مذهب، صلح و عدالت.

هدف تعریف شده برای این درس قادر ساختن داوطلب به مطالعه وجوه فلسفی و اخلاقی یک (یا چند) مذهب است. در ذیل این هدف کلی به اهداف مشخص‌تر زیر نیز اشاره شده است: کسب معرفت و توسعه فهم باورها، ارزش‌ها و سنت‌ها در یک (یا چند) مذهب، بررسی تاثیر باورها، ارزش‌ها و سنت‌های وابسته به یک (یا چند) مذهب، بررسی پاسخ‌های مذهبی و سایر انواع پاسخ‌ها به مسائل اخلاقی، معین کردن، تحقیق و پاسخ دادن به سئوالات پایه‌ای در باب زندگی که توسط مذهب طرح شده‌اند، از جمله سئوالاتی در باب معنا و هدف زندگی و سرانجام توسعه مهارت‌های مربوط به مطالعه مذهب.

دانش‌آموز جهت گذراندن این درس دو گزینه دارد. او می تواند صرفاً روش آزمون کتبی را انتخاب کند و در دو امتحان دوساعته به سئوالات مربوط به سرفصل های انتخابی اش پاسخ دهد و یا آن که روش تلفیقی را در پیش بگیرد و علاوه بر دو امتحان کتبی یک ساعت و نیمه، دو کار درسی تحقیقی (هرکدام در حدود ۱۵۰۰ کلمه) در مورد موضوعات انتخابی اش بنویسد.

اشاره به محتوای برخی از سرفصل های مذکور می تواند طبیعت این درس را روشن‌تر کند. به‌عنوان نمونه اگر فردی دین اسلام را به عنوان دین مورد بررسی خود برگزیند در بخش مذهب و علم این مطالب باید پوشانده شود: نظر مسلمانان درباره اصل و منشاء جهان و انسان/ نظریات علمی در باب اصل و منشاء جهان و انسان/ فهم بسیار اولیه از نظریه مهبانگ و نظریه تکامل داروین/ نظر مسلمانان در باب جایگاه انسان در جهان و رابطه انسان و حیوانات/ پاسخ‌های مسلمانان به مسائل محیطی.

در بخش مرگ و پس از زندگی نیز چنین مطالبی به چشم می‌خورد: راه‌های درک رابطه جسم و روح از نظر اسلام/ فهم مفاهیم بهشت و جهنم/ رابطه رفتار اخلاقی و زندگی پس از مرگ/ مراسم خاک‌سپاری و مویه مسلمانان و روش‌هایی که در آن از داغداران حمایت صورت می گیرد.

در بخش مذهب و اخلاق پزشکی چند عنوان به صورت زیر است: نگرش مسلمانان به سقط جنین/ پاسخ مسلمانان به مسائل مطرح شده توسط درمان ناباروری/ نگرش مسلمانان به خودکشی و مرگ خودخواسته/ نگرش مسلمانان به استفاده از حیوانات در تحقیقات پزشکی. اشاره به چند موضوع تحقیق برای کار درسی نیز خالی از فایده نیست. برای بخش سرشت باورها: «هر مناجات و دعایی اتلاف وقت است چون مردم نمی توانند مطمئن شوند که خدا هست.» آیا با این حکم موافق هستید؟ دلایلی برای حمایت از پاسخ خود بیاورید و نشان دهید که شما به این موضوع از یک زاویه دید متفاوت اندیشه کرده‌اید. در پاسخ خود باید به مذهب انتخابی‌تان برای مطالعه ارجاع دهید. برای بخش مذهب و برابری: «همه افراد مساوی هستند و باید به یکسان مورد رفتار قرار گیرند.» آیا با حکم موافق هستید؟ دلایلی برای حمایت. . . برای بخش مذهب و روابط انسانی: «مرگ کار خدا است و مردم نباید در آن مداخله کنند.» آیا با این حکم موافق هستید؟ دلایلی برای حمایت. . . پس از اخذ مدرک GCSE، دانش‌آموزان بریتانیایی می توانند به مدت دو سال وارد مرحله A-Level شوند. این دوره جزء تحصیلات اجباری نیست ولی در اغلب موارد شرط لازم جهت ورود به دانشگاه است. این دوره دوساله متشکل از دو بخش A2 (یک سال) و A2 (یک سال) است. دانش‌آموزان باید در سال اول سه، چهار موضوع درسی و در سال دوم سه موضوع درسی را برگزینند. چهار عنوان از درس های قابل انتخاب در این دوره مستقیم یا غیرمستقیم به فلسفه مربوط هستند: فلسفه/ فلسفه و اخلاق/ مطالعات مذهبی/ تفکر انتقادی. روش کار در این دوره آن است که تنها خطوط کلی دروس از پیش معلوم است، اما انتخاب محتوای خاص‌تر و یا کتاب مورد بحث بر عهده معلمان و مدارس است. لذا برای درس فلسفه در سطح A-Level می توان کتاب های مختلفی یافت که توسط ناشران سرشناس و گوناگونی چاپ شده و فصول آنها را عمدتاً اساتید برجسته دانشگاهی نوشته‌اند. به عنوان نمونه انتشارات راتلج (Routledge) کتابی را برای فلسفه در سطح A-Level چاپ کرده است. برای سال اول (AS) این کتاب سه مبحث نظریه معرفت، فلسفه اخلاق و فلسفه دین را پیشنهاد می کند. و برای سال دوم (A2) سه مبحث فلسفه ذهن، فلسفه سیاسی و فلسفه علم گنجانده شده است. برای نمونه در بخش فلسفه علم عناوینی چون روش علمی، سرشت توسعه علمی، معرفت علمی و هدف علم، عینیت علم و سرانجام علوم طبیعی و اجتماعی مورد بحث قرار می گیرد. حال آنکه کتاب چاپ شده توسط انتشارات آکسفورد (Oxford) دامنه بحث خود را بسیار تخصصی‌تر کرده و صرفاً فلسفه دین و اخلاق را پوشانده است.

■ **چند نکته برای تامل**

تصویر ارائه شده از نظام آموزش فلسفه در سطح پیش از دانشگاه به‌رغم فشردگی خود حاوی نکات باارزشی است که می تواند موضوعی برای تامل و وسیله‌ای برای بهبود آموزش فلسفه در ایران باشد. نکته اول اهمیت اساسی و حیاتی آزادی دانش‌آموز برای انتخاب مواد درسی است. این آزادی در بسیاری موارد خود را نشان می دهد: دانش‌آموز می تواند اصولاً به سمت فلسفه نیاید و اگر به علوم، ادبیات، موسیقی و یا زبان‌های خارجی علاقه دارد آن موضوعات را برگزیند. سوای دروسی مانند ریاضیات که پرهیزی از یادگیری اجباری آن نیست، محدود کردن عناوین درسی دبیرستان‌ها به شکلی که هر دانش‌آموز علوم انسانی حتماً باید فلسفه بخواند نادرست و اشتباه است. آزادی بعدی زمانی است که دانش‌آموزی فلسفه را برمی گزیند اما این به معنای آن نیست که او حتماً باید تمام سرفصل ها را پوشش دهد. دانش‌آموز می تواند بنابر علایق و سلایق خود درس و تحقیق اش را آزادانه انتخاب کند. آزادی بعدی در انتخاب نوع امتحان است. امتحان کتبی گرچه روش جاافتاده‌ای است ولی مشکلات خاص خود را همچون اضطراب و یا حفظ کردن مطالب دارد. لذا دادن فرصت تحقیق به دانش‌آموز، آن هم با طرح سئوالاتی باز که در آنها روش تحقیق و نحوه استدلال مهم‌تر از پاسخ است می تواند کیفیت آموزش را افزون کند. ضمن آن که نگاهی به سئوالات امتحان کتبی نیز نشان می دهد که در آنجا نیز اثری از حفظ کردن مطالب و تکرار کردن نظر این و آن به‌چشم نمی‌خورد. در امتحانات کتبی نیز ملاک اصلی نحوه فکر کردن منطقی و استدلال دانش‌آموزان در باب یک سئوال باز است. این خصیصه منحصر به فلسفه نیست و در سراسر رشته‌ها و در سراسر سطوح از کودکستان تا دانشگاه در کشورهای پیشرفته رایج است. و سرانجام آخرین مرحله از آزادی، آزادی معلم و مدرسه و دانش‌آموز در خواندن کتاب‌های مختلفی است که ناشران مختلف تهیه کرده‌اند. در سطوح بالاتر آموزش تعیین یک منبع درسی برای فلسفه به شکلی که دانش‌آموز و دانشجو را از سایر منابع بی‌نیاز کند ناممکن و طنزآمیز است. نکته بعد انضمامی و عینی بودن محتوای درسی است. ما فلسفه نمی‌خوانیم که بدانیم افلاطون در باب مثل چه گفته است. ما سئوالات انضمامی مهم و سرنوشت‌سازی داریم که باید به آنها پاسخ دهیم. ما می خواهیم بدانیم حکم سقط جنین از لحاظ اخلاقی چیست. اکنون برای پاسخ به این سئوال به فلسفه روی می آوریم و اگر هم به نظرات دیگران می پردازیم جهت فایده‌ای است که آنها در حل مشکلات ما دارند. آموزش فلسفه باید از مسائل دور و بری که ما را احاطه کرده‌اند شروع شود. آموزش فلسفه باید در ابتدا انضمامی و تنها در انتها انتزاعی باشد. اما زدن سرنا از سر گشاد آن و شروع فلسفه با بحث‌های انتزاعی نه به فهم فلسفه کمک می کند و نه به حل مشکلات ما. نگاهی به سرفصل های مطرح شده نشان می دهد که همه آنها مربوط به مسائل حاد و روزمره ما است. (سقط جنین، عدالت، فقر، صلح، علم، تکنولوژی و. . .) فلسفه و آموزش آن باید در خدمت حل مسائل باشند.

و سرانجام نکته آخر مشاهده نحوه تعامل فلسفه با سایر شئون اجتماعی و تاریخی است. عنوان‌های ذکر شده دقیقاً نشان می دهند که مباحث برای دانش‌آموزی بریتانیایی در قرن بیست و یکم طراحی شده‌اند. دانش‌آموزی که در محیط اطراف و مدرسه خود با بسیاری از خارجیان در تماس است و مسئله نژادپرستی در جامعه او مسئله‌ای مهم است، پس باید در باب برابری مطالعه کند. دانش‌آموزی که نظریه داروین و مهبانگ را می داند، باید از نظر فلسفی پاسخ‌های دین خود را هم به این مسائل بداند. دانش‌آموزی که مادرش درگیر و دار بحث سقط جنین است و برای داروهایی که مصرف می کند هزاران حیوان کشته شده‌اند، باید فلسفه اخلاق بخواند. در یک کلام درس فلسفه اگر چنان طراحی شود که رنگ زمانه و مسائل آن را نگیرد، رغبتی برای خواندن و چالش برنمی انگیزد.

■ **دوران دانشگاه- کارشناسی**

پیش از بررسی نظام دانشگاهی آموزش فلسفه در بریتانیا، ذکر چند آمار بی‌مناسبت نیست. بنابر اطلاعات سایت «بنگاه آمار تحصیلات تکمیلی» (http://www.hesa.ac.uk) در سال تحصیلی ۲۰۰۵-۲۰۰۴ در زیرگروه رشته‌های مطالعات تاریخی و فلسفی (شامل رشته‌های تاریخ، باستان‌شناسی، فلسفه، الهیات، مطالعات مذهبی و. . .) مجموعاً ۹۹۲۴۵ نفر در مقاطع مختلف در بریتانیا مشغول به تحصیل بوده‌اند. از این تعداد ۹۰۹۵۰ نفر بریتانیایی، ۳۱۲۵ نفر اروپایی و ۵۱۷۵ نفر خارجی غیراروپایی بوده‌اند. این آمار نشان می دهد که تعداد دانشجویان خارجی در این زیرگروه حدود هشت درصد کل دانشجویان است. این به آن معنا است که گرچه خارجیان مشتاق تحصیل در این زیرگروه به فراوانی دانشجویان خارجی در مهندسی و تکنولوژی (۲۹ درصد خارجی) نیستند اما از برخی رشته‌ها مانند تعلیم و تربیت (شش درصد خارجی) و یا رشته‌های وابسته به پزشکی (چهار درصد خارجی) بیشترند. در این میان سهم فلسفه به شرح زیر است: در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۴ مجموعاً ۱۱۱۲۰ دانشجو در مقاطع مختلف به تحصیل فلسفه در بریتانیا مشغول بوده‌اند. از این تعداد ۹۸۹۵ نفر بریتانیایی، ۵۳۰ نفر اروپایی و ۶۹۵ نفر خارجی غیراروپایی بوده‌اند. از کل دانشجویان فلسفه ۷۶۳۰ نفر دانشجوی تمام‌وقت کارشناسی، ۱۱۲۰ نفر دانشجوی پاره‌وقت کارشناسی، ۱۰۴۵ نفر دانشجوی تمام‌وقت تحصیلات تکمیلی و ۱۳۲۵ نفر دانشجوی پاره‌وقت تحصیلات تکمیلی بوده‌اند. از میان این آمار و ارقام دو نتیجه جالب می توان گرفت: نخست آنکه ملاحظه جمعیت بریتانیا (حدود ۶۰/۵ میلیون نفر) نشان می دهد که از هر ۱۰ هزار نفر بریتانیایی حدود ۱/۶ نفر مشغول تحصیل فلسفه در دانشگاه است. این رقم در صورت مقایسه با آمار ایران و یا سایر کشورها می تواند یکی از شاخص های محبوبیت فلسفه میان جوانان باشد. نکته دوم آنکه از هر حدود ۳/۷ نفر دانشجوی کارشناسی، یک نفر به تحصیلات خود در سطح تحصیلات تکمیلی ادامه می دهد.

پس از این آمار اکنون اجازه دهید به بررسی نظام آموزش فلسفه در سطح کارشناسی بپردازیم. (ذکر این نکته جالب است که عموماً جهت اخذ پذیرش برای دوره کارشناسی در فلسفه گذراندن دروس فلسفی در سطوح GCSE و A-Level ضروری نیست.) فلسفه نیز همچون اغلب رشته‌های دیگر در بریتانیا دارای دوره کارشناسی تمام‌وقت سه ساله است. یکی از منابع جالبی که می توان نحوه تلقی جامعه از فلسفه و نقش فلسفه در جامعه را از روی آن فهمید، بخش هایی است که دانشگاه‌های مختلف بر روی سایت های خود با عنوان «چرا فلسفه بخوانیم» قرار می دهند. این اطلاعات می کوشد تا تصویری از رشته فلسفه، مباحث، ثمرات یادگیری و نهایتاً کاربرد و بازار کار این رشته ترسیم کند. این معرفی ها که باید دقیق و در عین حال جذاب باشند (چرا که نقش مهمی در جذب دانشجو و بودجه مالی برای دانشگاه‌ها دارند) بهترین منابع برای یک مطالعه تطبیقی هستند. تفاوت وضعیت فلسفه در ایران و بریتانیا را دقیقاً می توان در تفاوت معرفی این رشته به دانشجویان دید. به‌عنوان نمونه دانشگاه بیرمنگام (Birmingham) فلسفه را چنین معرفی می کند:

«سئوالات فلسفی غالباً از مسائلی که ما در زندگی روزمره با آنها سر و کار داریم برمی خیزند. به‌عنوان نمونه ما غالباً خود را ملامت می کنیم، یا توسط دیگران ملامت می شویم که چرا خودخواه بوده‌ایم. اما دانشمندان به ما می گویند که هر آنچه اتفاق می افتد نتیجه قوانین عمومی طبیعت است و نقطه شروع آن رویدادهای پیشین است که زمانی بسیار قبل، حتی قبل از تولد ما، رخ داده‌اند. آنها می گویند که شخصیت و اعمال ما نتایج اجتناب‌ناپذیر چیزهایی است که کنترل آنها خارج از ما است. لذا من نمی توانم به آنچه هستم یا می کنم کمکی بکنم. در نتیجه من نمی توانم در قبال آنچه اکنون می کنم مسئول باشم. . . اکنون آیا باید ما از ملامت کردن خود یا دیگران دست برداریم؟ و یا آنکه ما به طریقی از شمول قوانین طبیعت خارج هستیم؟. . .» چه چیزی این مسائل را «فلسفی» می کند؟ پاسخ کوتاه آن است که فلسفی بودن آنها ناشی از آن است که این مسائل محدود به نمونه‌های خاص و زمینه‌های خاص نیستند، بلکه مسائلی عمومی هستند در باب معقولیت و سازگاری یک روش تفکر، استدلال، داوری و پژوهش. آیا می توان اصولاً کسی را برای چیزی ملامت کرد؟ آیا هیچ‌گاه شرایط مناسب این کار وجود دارد؟ آیا چیزی به نام «محسر بودن» وجود دارد که یک کتاب، نمایش یا تصویر بتواند آن را داشته باشد؟. . .

نکته

همانگونه که دانشگاه در معرفی رشته فلسفه به دانشجویان خود نوید تعامل و ارتباط با حوزه وسیعی از سئوالات فکری را می دهد، دروس ارائه شده نیز دارای گستردگی قابل ملاحظه‌ای هستند. از مطالعه فیلم تا نظریه ادبی و از فلسفه زبان تا تاریخ و فلسفه طب. همه اینها در دادن نگاهی جامع به دانشجوی کارشناسی و گشودن افق‌های مختلف برای تحقیقات آتی او بسیار ضروری و لازم است.

نکته دیگری که در اغلب معرفی ها به چشم می خورد تاکید بر اهمیت تفکر انتقادی، استدلال منطقی، صحیح مطرح کردن ایده‌ها و تفکرات و قدرت جدا کردن بخش های مختلف یک استدلال است که در این زمینه فلسفه نقش مهمی دارد. به‌عنوان نمونه دانشگاه LSE چنین می نویسد: «هدف دوم از یک دوره فلسفه کسب مهارت و آگاهی در مورد تکنیک های استدلال معتبر است. و برای این هدف منطق یک بخش مهم از این دوره آموزشی است.» با این تفاصیل عجیب نیست که دانشگاه‌های مختلف هنگام معرفی کاربرد و بازار کار فلسفه به حوزه‌هایی کاملاً دور از فلسفه اشاره می کنند. آنان متفقاً بر این قولند که فلسفه قدرت فهم مسائل دشوار، نظم دادن به آنها، جمع‌بندی مطالب و ادعاها و ارزیابی استدلالات له و علیه یک موضوع را تقویت می کند و این توانایی ها در بسیاری رشته‌ها کاربرد دارد. به‌عنوان نمونه دانشگاه دورهام می نویسد که بسیاری از فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی آن دانشگاه به فعالیت در رشته‌های حقوق، بازاریابی، روابط عمومی، رسانه، حسابداری، بانکداری، تدریس، خرده‌فروشی و مطالعات تکمیلی پرداخته‌اند. تنها برای نمونه‌ای از معرفی رشته فلسفه در منابع فارسی‌زبان اینترنتی به این جملات دقت کنید که از سایت رسمی رشد (شبکه رشد، شبکه ملی مدارس ایران www.roshd.ir) وابسته به وزارت آموزش و پرورش برداشته شده است: «فلسفه: رشته‌ای که اسمش برای دانش‌آموز معرف اصطلاحات مشکل و غیرقابل فهم است و به اصطلاح یک رشته کاملاً استدلالی و آمیخته با منطق است. پیچیدگی های فلسفی گاه ساخته بشر و گاه در ذات این علم نهفته است. فیلسوفان معمولاً این هنر را نداشته‌اند که بتوانند این علم را به زبان آسان برای علاقه‌مندان آن بیان کنند. و آن کس که در عصر ما به خوبی از عهده این کار برآمده، شهید مطهری است. در تعریف فلسفه گفته‌اند که فلسفه رویکرد به واقعیت های جهان هستی است که با عبور از واقعیات شکل می گیرد و دو بحث عمده وجود و شناخت همه فلسفه را پر کرده است. در رشته فلسفه بیشتر روی فلسفه غرب تاکید می شود. کسی که این رشته را انتخاب می کند باید حوصله تحقیق و بیان و حافظه قدرتمندی داشته باشد. بنابر همین اصل ضریب درس ریاضی برای دانش‌آموزان ورودی این رشته ۴ و دروس اقتصاد و فارسی ۲ و بقیه یک است.»

■■■

پس از نحوه معرفی رشته فلسفه اجازه دهید به یک برنامه عمومی سه‌ساله که دانشجویان برای اخذ مدرک کارشناسی فلسفه می گذرانند بپردازیم. در اینجا برای پرهیز از اطناب به ذکر واحدهای درسی در دانشگاه دورهام می پردازیم. در سال اول واحدهای زیر اجباری هستند: اخلاق و ارزش/ معرفت و واقعیت/ مقدمه‌ای بر منطق/ متون فلسفی. یکی از واحدهای زیر نیز اختیاری است: تاریخ و نظریه طب/ تاریخ تفکر علمی/ فلسفه علم. همچنین دانشجو باید یا یک درس اختیاری از سایر گروه‌ها و دانشکده‌ها انتخاب کند و یا از فهرست بالا درس دیگری را برگزیند. در سال دوم دروس زیر ارائه می شوند: منطق/ فلسفه ذهن/ نظریه اخلاق/ فلسفه مدرن I یکی از دروس فهرست A در زیر/ یک درس از سایر دانشکده‌ها یا یک درس دیگر از فهرست A در زیر. در سال سوم نیز مواد درسی چنین است: یک درس از فهرست B یک درس از فهرست C یک درس از فهرست A، B یا C پایان‌نامه/ یک درس از فهرست A، B، C و یا درسی از سایر دانشکده‌ها.

فهرست A: فلسفه سیاسی/ فلسفه دین/ اخلاق بیومدیکال/ علم و دین/ استدلال/ معرفت و جامعه/ نظریه، ادبیات و جامعه/ متافیزیک.

فهرست B: زیبایی‌شناسی/ اخلاق کاربردی/ فلسفه مدرن II جنسیت، فیلم و جامعه/ فلسفه اروپایی در قرن ۲۰.

فهرست C: مقولات فلسفی در علم معاصر/ فلسفه زبان/ مفاهیم اخلاقی/ هستی‌شناسی/ تاریخ بدن (کالبد).

جزئیات این دروس با تعاریف دقیقی از اهداف، محتوا، نتایج گذراندن آنها، روش تدریس و نحوه ارزیابی دانشجویان همراه با جداول زمانی جلسات، حجم و زمان تحویل مقالات و درصد تاثیر مقالات و امتحانات کتبی در سایت دانشگاه موجود است. سایر دانشگاه‌ها نیز کمابیش از همین روال برای تمام دروس خود استفاده می کنند.

■ **چند نکته برای تامل**

اکنون اجازه دهید کمی از جزئیات فاصله گرفته و به نکاتی عمومی‌تر که می تواند در بهبود نظام آموزش فلسفی ما نیز به کار رود بپردازیم. اولین نکته آن است که آموزش فلسفه می تواند به دو صورت موضوع- محور و تاریخ- محور انجام شود. به‌عنوان نمونه درس «فلسفه ذهن» درسی موضوع- محور است به این معنا که در آن موضوعی اصلی (ذهن) وجود دارد و اقوال و نظریات گوناگون حول آن به بحث گذارده می شود. لذا دانشجو ممکن است با نظریه معاصر فیزیکالیسم در ابتدای سال شروع کرده و طی سال بارها در تاریخ فلسفه به پس و پیش رود و مثلاً نظریات دکارت را برخلاف روند تاریخی پس از نظریات معاصر مطالعه کند. در اینجا سرشت موضوع جهت هدایت بحث را معین می کند. حال آنکه درسی مانند «فلسفه اروپایی در قرن ۲۰» درسی تاریخ- محور است و قاعدتاً فلاسفه و اندیشه‌های مورد بحث بر حسب توالی زمانی و تاثیری که قدما بر متاخرین گذاشته‌اند ارائه می شود. نگاهی به فهرست دروس نشان می دهد که در بریتانیا غلبه با دروس موضوع- محور است. به عبارتی از دانشجو خواسته می شود طی یک سال بر موضوع یا موضوعاتی تمرکز کند و آنها را از جهات گوناگون بکاود. لذا کاملاً ممکن است که یک فیلسوف خاص بارها در دروس مختلف و به واسطه نظریاتش در حوزه‌های گوناگون مطرح شود. به عبارتی هیچ‌گاه افلاطون به عنوان یک فیلسوف از همه جنبه‌ها (از زندگی و آثار سیاسی تا آثار متافیزیکی و. . .) بررسی نمی شود. بلکه زیبایی‌شناسی او در درس زیبایی‌شناسی، فلسفه سیاسی او در درس فلسفه سیاسی و. . . بررسی می شوند. روش موضوع- محور که در تضاد با نظام رایج و غالب در دانشگاه‌های ایران است در اکثر دانشگاه‌های معتبر جهان پذیرفته شده است و ثمرات خاص خود را دارد. از جمله آنکه توانایی بررسی و کندوکاو بر یک موضوع خاص از جنبه‌های گوناگون را می دهد.

نکته دوم آنکه همانگونه که دانشگاه در معرفی رشته فلسفه به دانشجویان خود نوید تعامل و ارتباط با حوزه وسیعی از سئوالات فکری را می دهد، دروس ارائه شده نیز دارای گستردگی قابل ملاحظه‌ای هستند. از مطالعه فیلم تا نظریه ادبی و از فلسفه زبان تا تاریخ و فلسفه طب. همه اینها در دادن نگاهی جامع به دانشجوی کارشناسی و گشودن افق‌های مختلف برای تحقیقات آتی او بسیار ضروری و لازم است. نکته سوم در باب نحوه تدریس و پیشرفت‌هایی است که همه رشته‌ها از جمله فلسفه در این مقوله کرده‌اند. در ابتدا بسیار مهم است که دانشکده از طریق سایت خود و یا از طریق دفترچه‌های راهنمای چاپی مشخصات تمام دروس ارائه شده، محتوای آنها، نحوه ارزیابی آنها و سئوالاتی که در آنها پاسخ داده می شوند را به دانشجو بدهد. گام بعدی در جلسه اول هر درس است که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در این جلسه استاد فهرستی از جلسات، بحث و تاریخ آنها مطالب پوشش داده شده در جلسات و فهرست منابع اصلی و در درجه دوم موضوعاتی که دانشجویان تا پایان سال باید در مورد آنها مقاله تحقیقی بنویسند را در قالب برگه‌ای به دانشجو می دهد. این برگه کلی جدای از برگه‌هایی است که استاد در هر جلسه در باب موضوع خاص آن روز و خلاصه بحث و منابع آن به دانشجویان می دهد. همه و همه اینها باعث می شود تا اولاً استاد و دانشجو به صورت منظم بدانند چه می کنند و ثانیاً احتیاج به یادداشت‌نویسی در کلاس به حداقل برسد.

گفتار

حکومت و نبوت

حبیب‌الله پیمان

بخش دوم

۶- پیامبر تا زمانی که فقط پیامبری می کند و به پیشوایی (امامت) جامعه نرسیده، تنها آموزه‌های دینی یعنی جهان‌بینی، سنت‌ها، اخلاقیات و ارزش های الهی را تبلیغ می کند (که فرازمانی‌اند). یعنی برای همیشه اعتبار. و وثاقت آنها محفوظ است. و به همین خاطر باید از سایر معارف قرآنی یعنی احکام فقهی و معرفت‌های غیردینی در قرآن تفکیک شوند. در مرحله‌ای که هنوز گروندگان منفرد و پراکنده‌اند و پیامبر در مقام رهبری «امت» جای نگرفته است، صحبتی از احکام و مقررات شریعت در میان نیست. این دسته از آیات در دوره‌ای مطرح شدند که پیامبر در راس یک جنبش دینی و اجتماعی، گروندگان را رهبری می کرد و برای نظم دادن به روابط میان مومنان و رهبری مبارزه و مقاومت در مواجهه با ستمگران و تجاوزکاران و چگونگی عمل زیستی و رهایی بخش به آنان رهنمود می داد. این دسته گزاره‌ها برخلاف آموزه‌های دین متغیر و وابسته به زمان و مکان‌اند.

■ **امامت**

۱- امامت، شأنی متفاوت از پیامبری و نبوت است. هویت پیام